



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۰، ش ۴ (پیاپی ۵۲)، مهر و آبان ۱۳۹۸، صص ۵۵-۸۹

## تحلیل معنایی فعل «گفتن» در چارچوب نظریه معنائشناسی

### قالبی: یک بررسی پیکره‌بنیاد

لیلا رحمتی‌نژاد<sup>۱</sup>، سید مصطفی عاصی<sup>۲\*</sup>، علی‌رضا قلی‌فامیان<sup>۳</sup>، مسعود قیومی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران.

۲. استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۳. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

۴. استادیار زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

دریافت: ۹۷/۹/۱۵

پذیرش: ۹۸/۲/۱۰

### چکیده

یکی از دستاوردهای مهم زبان‌شناسی شناختی، «نظریه معنائشناسی قالبی» فیلمور (۱۹۸۲) است. این نظریه بیانگر اصلی مهم در معنائشناسی شناختی است که بیان می‌کند معانی واژه‌ها درون نظامی از دانش درک می‌شوند که در تجربه اجتماعی و فرهنگی انسان ریشه دارد. در واقع، فیلمور در این نظریه درک معنای واژه‌ها را از طریق قالب‌هایی که هر واژه فرا می‌خواند، میسر می‌داند و «قالب‌های معنایی» را نمایانگر بخش‌های یک رویداد می‌داند که برای اتصال گروهی از کلمات به مجموعه‌ای از معانی به‌کار می‌روند. از طرفی، افعال به‌عنوان مهم‌ترین ارکان زبان در بیشتر حالت‌ها و اعمال یک رویداد حضور دارند و در تفسیر معنا نقش بسزایی ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، ارائه تحلیل پیکره بنیاد و توصیفی برای شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی و ترسیم قالب اصلی آن در چارچوب نظریه معنائشناسی قالبی و طرح تحقیقاتی فرهنگ‌نگاری «فریم‌نت» است. برای نیل به این هدف، با بهره‌گیری از فرهنگ‌ها، پیکره‌های معاصر فارسی و سامانه فریم‌نت ۴۴ حوزه و قالب معنایی از فعل «گفتن» در زبان فارسی شناسایی شد. سپس، مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» به‌عنوان معنای اصلی و سرنمون این فعل تعیین و «انگاره شعاعی» آن برای نخستین‌بار ترسیم گردید. در نهایت، قالب اصلی این فعل با استفاده از اصول و مفاهیم مطرح در نظریه قالبی فیلمور ایجاد شد.

**واژه‌های کلیدی:** نظریه معنائشناسی قالبی، قالب معنایی، فریم‌نت، چندمعنایی، مقوله شعاعی.

## ۱. مقدمه

«زبان‌شناسی شناختی» یکی از سه نگرش عمده زبان‌شناسی معاصر است که به مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه‌های مفهوم‌سازی می‌پردازد. بیشتر مطالعات این رویکرد مربوط به «معناشناسی شناختی» است که درک معنای واژه‌ها را به صورت دایره-المعرفی<sup>۱</sup> ممکن می‌داند. به عبارت دیگر، معنای واژه‌ها را نمی‌توان بدون اطلاع از دانش دایره-المعرفی مرتبط با آن‌ها درک کرد. در واقع، این معانی درون نظامی از دانش درک می‌شوند که در تجربه اجتماعی و فرهنگی انسان ریشه دارد و «نظام مفهومی» نامیده می‌شود. بر این اساس، «نظریه معناشناسی قالبی»<sup>۲</sup> فیلمور<sup>۳</sup> (1982) یکی از نظریه‌های مهم شناختی است که در کنار «نظریه قلمروها»<sup>۴</sup> ی لانگاکر<sup>۵</sup> (1987) اهمیت «معنای دایره‌المعرفی» را در مقابل «معنای لغت‌نامه‌ای یا قاموسی»<sup>۶</sup> نشان می‌دهد. این نظریه به طور خاص، به راه و روشی توجه دارد که در آن، زبان را می‌توان برای نمایش مفهوم‌سازی زیربنایی جهان خارج به کار برد (Geerearts, 2010: 225). فیلمور در این رویکرد واژگانی اصطلاح «قالب معنایی»<sup>۷</sup> را به مثابه شیوه‌ای برای تحلیل معنایی زبان طبیعی به کار می‌برد. بنابراین، یک «قالب» که در واحدهای واژگانی بازنمود پیدا می‌کند، توصیفی از یک رویداد، رابطه و شرکت‌کنندگان آن رویداد است. تفاوت این نظریه با دیگر نظریه‌های «معناشناسی واژگانی»<sup>۸</sup>، در تأکید آن بر دانش پس‌زمینه است که بر اساس آن معنای کلمات تعبیر می‌شوند. در حقیقت، فیلمور در سال ۱۹۷۶ با گسترش «دستور حالت»<sup>۹</sup> خود به این نظریه جدید دست یافت و در سال ۱۹۹۷ آن را با روش‌های پیکره‌ای درآمیخت و به صورت پروژه «فریمنت» (شبکه معنایی قالبی)<sup>۱۰</sup> ارائه کرد. این پروژه امروز در خدمت فرهنگ‌نگاری و پردازش زبان طبیعی<sup>۱۱</sup> است. از طرفی، در بحث بررسی معنای واژه، افعال به عنوان یکی از ارکان اصلی زبان نقش مهمی در تفسیر معنا ایفا می‌کنند و بیانگر حالات و اعمال یک رویداد هستند. این مقولات با معانی مختلف در بافت‌های زبانی آشکار می‌شوند و در بیان «پدیده چندمعنایی»<sup>۱۲</sup> کارایی فراوان دارند؛ از این رو، بررسی و کشف روابط معنایی آن‌ها در قالب نظریات جدید و شبکه‌هایی، چون «فریمنت» سودمند به نظر می‌رسد. با این مقدمه، پژوهش حاضر سعی دارد در چارچوب نظریه قالبی فیلمور به تحلیل معنایی فعل «گفتن» به عنوان یکی از افعال پرکاربرد<sup>۱۳</sup> زبان فارسی بپردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی بر مبنای نظریه معنانشناسی قالبی فیلمور و سامانه فریم‌نت کدامند؟  
 - چگونه می‌توان قالب اصلی فعل «گفتن» را ترسیم کرد؟  
 بر این اساس، فرض اصلی تحقیق آن است که می‌توان طبق نظریه شناختی فیلمور و سامانه فریم‌نت حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» را در زبان فارسی تعیین و قالب اصلی آن را ترسیم کرد.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعه مفهوم واژگانی کلمات در ذهن انسان و بررسی چندمعنایی آن‌ها از جمله موضوعاتی است که از گذشته تاکنون زبان‌شناسان و به‌خصوص معنانشناسان زبان به آن توجه داشتند و نظریات مختلفی درباره آن ارائه شده است. به‌طور مثال، بازنمایی معنایی کلمات با «مشخصه‌های تمایزدهنده» و «مؤلفه‌های معنایی اولیه»، از جمله نظریات قدیمی است که در نشان دادن غنای معنایی کلمات کارآمدی لازم را نداشته است (Lieber, 2004). یکی دیگر از این مطالعات ناکارآمد، بازنمایی کلمات را مشتمل بر چهار «ساختار موضوعی»، «ساختار رویداد»<sup>۱۴</sup>، «ساختار توارث»<sup>۱۵</sup> و «ساختار کیفی»<sup>۱۶</sup> می‌داند (Pustejovsky, 1995: 61). پدیده چندمعنایی نیز مفهوم تازه‌ای در زبان‌شناسی به‌شمار نمی‌رود و صورت‌گرایان از مدت‌ها پیش، به این موضوع پرداخته‌اند. آنان چندمعنایی را ویژگی بنیادی واژه‌ها قلمداد نمی‌کردند؛ بلکه پدیده‌ای زبانی و در روستاخت در نظر می‌گرفتند (Evan & Green, 2006: 239)؛ اما پژوهشگران شناختی‌ای چون پالمیر<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۶)، لیکاف و جانتسون<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۰)، فیلمور (۱۹۸۲)، فوکونیه<sup>۱۹</sup> (۱۹۸۵)، لانگاکر (۱۹۸۷)، تیلور<sup>۲۰</sup> (۱۹۹۵ و ۲۰۰۳) و بلنک<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۳) دیدگاه دیگری دارند. رضوی با استناد به دلایل زیر بیان می‌کند که رویکرد شناختی این محققان در مقایسه با رویکرد ساخت‌گرا، توصیف جامع‌تری از داده‌ها به‌دست می‌دهد:

معنانشناسی شناختی، معنای واژه‌ها را در دو سطح مؤلفه‌ها یا عناصر کوچک‌تر از معنای واژه‌ها و روابط معنایی میان واژه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در حالی که در رویکرد ساخت‌گرا کانون اصلی توجه، عمدتاً روابط جانشینی بوده است و این رویکرد به‌صورت محدودی به روابط هم‌نشینی می‌پردازد. در این حالت سازوکاری برای نمایش واژه‌هایی که در متن و در سطح کلامی مربوط هستند، وجود ندارد. رویکرد شناختی با طرح «قالب‌های معنایی» این کاستی

را رفع می‌کند. دوم آنکه، رویکرد شناختی در توصیف شواهد مربوط به روابط متداعی منحصربه‌فرد تواناست (برای مثال رابطه میان گردن و زرافه). توانایی‌های شناختی انسان که وی را قادر می‌سازند به‌منظور تحلیل دقیق‌تر بر برخی ابعاد معنایی متمرکز شود (توجه) و نیز تعدادی از ویژگی‌های ذاتی پدیده‌ها که سبب «برجستگی» آن‌ها می‌شوند، می‌توانند توصیفات مناسبی برای این مورد فراهم کنند. سومین پیامد نظری در خصوص روابط معنایی سلسله-مراتبی است. در این مورد نقطه قوت ساخت‌گرایی این است که برای چنین روابطی چارچوب‌های مستحکمی در نظر می‌گیرد. کاستی رویکرد مذکور در این خصوص نیز انعطاف‌ناپذیری چارچوب‌هاست. در رابطه با روابط سلسله‌مراتبی نیز رویکرد شناختی، با مطرح نمودن مقولات به‌عنوان مجموعه‌هایی متشکل از اعضای مرکزی و حاشیه‌ای که مرزهایی گنگ دارند، توجهی موجه‌تری ارائه می‌کند (۱۳۹۲: ۴۹-۵۱).

اکنون با در نظر گرفتن این دلایل، باید دید رویکرد شناختی دقیقاً چه راهکاری برای مطالعه معنی واژه و پدیده چندمعنایی ارائه می‌دهد؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در «نظریه معناشناسی قالبی» فیلمور (۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲، ۱۹۸۵) جست‌وجو کرد. این نظریه درک معنای واژه‌ها را از طریق قالب‌هایی که هر واژه فرا می‌خواند، میسر می‌داند. تفاوت آن با دیگر نظریه‌های «معناشناسی واژگانی» نیز در تأکیدش بر دانش پس‌زمینه است که بر اساس آن معنای کلمات تعبیر می‌شوند (Fillmore & Atkins, 1992, 1994, 2000; Fillmore & Baker, 2010). فیلمور (۱۹۷۵) در تعریف «قالب معنایی» آن را طرح‌واره‌ای شدن تجربه (همان ساختار دانش) معرفی می‌کند که در سطح مفهومی بازنمایی و در حافظه بلندمدت نگهداری می‌شود. به این ترتیب، یک قالب، عناصر فرهنگی و اجتماعی موجود در تجربه انسان را به‌هم مرتبط می‌سازد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۴)؛ اما نکته مهم درباره این نظریه، جایگاه آن در تدوین فرهنگ‌ها و پایگاه‌های دادگانی است. در این راستا، طرح تحقیقاتی فرهنگ‌نگاری رایانه‌ای «فریمنت» از مدون‌ترین پروژه‌هایی است که از این نظریه الهام گرفته و علاوه بر زبان انگلیسی (BFN) در زبان‌های دیگر هم کارآمد بوده است. به‌طور مثال، تاکنون فریمنت آلمانی (GFN)<sup>۲۲</sup> از سوی بوآن<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۲) در دانشگاه تگزاس، فریمنت اسپانیایی (SFN)<sup>۲۴</sup> از سوی سویراتس و پتروک<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۳) در دانشگاه بارسلونا، فریمنت زبان سوئدی (SweFN ++)<sup>۲۶</sup> از سوی بورین و همکاران<sup>۲۷</sup> (۲۰۱۰) در دانشگاه گوتنبرگ، فریمنت زبان ژاپنی (JFN)<sup>۲۸</sup> از سوی اوهارا و همکاران<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۴) و فریمنت زبان چینی (CFN)<sup>۳۰</sup> از سوی یو و همکاران<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۷) ایجاد و

معرفی شده‌اند. فریمنت برزلی<sup>۳۲</sup> و فریمنت کرهای<sup>۳۳</sup> نیز دو شبکه جدیدی هستند که اخیراً به این فهرست اضافه شده‌اند. به‌علاوه، کار روی فریمنت دوزبانه نیز با ایجاد دو بخش «هستان‌شناسی دوزبانه» و «نمونه جملات دوزبانه» انجام شده است.

در حیطه زبان فارسی نیز زبان‌شناسانی چون صفوی (۱۳۹۰)، آقا گل‌زاده (۱۳۸۲)، فیاضی (۱۳۸۸)، راسخ مهند (۱۳۹۴)، افراشی (۱۳۹۵) و غیره به مطالعه معنای واژه و پدیده چندمعنایی به‌خصوص در چارچوب نگرش شناختی پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر نیز تحقیقاتی به‌طور خاص در راستای نظریه معناشناسی قالبی فیلمور و سامانه فریمنت انجام شده است. از این دست مطالعات می‌توان به قیومی (۲۰۰۹) اشاره کرد که اولین تحقیق ایرانی در این حوزه است. البته، قیومی در مطالعه کاربردی خود از داده‌های زبان انگلیسی استفاده کرده است. پژوهش دیگر، مربوط به خاوری (۱۳۹۲) است که به توصیف و طبقه‌بندی افعال بسیط و مرکب پرکاربرد فارسی (۱۰۰ نمونه) بر اساس رویکرد پروژه فریمنت پرداخته است. در تحقیق دیگر، نایب لوئی (۱۳۹۳) و نایب لوئی و همکاران (۱۳۹۴) با طراحی «شبکه قالب بنیاد (فریمنت) برای صفات فارسی در حوزه عواطف (شادی و علاقه)» اولین گام را در راستای ایجاد سامانه فریمنت در زبان فارسی برداشته‌اند. گندم‌کار (۱۳۹۳) نیز با دیدگاهی متفاوت معتقد است نمی‌توان رخدادهای جهان خارج را در قالب‌های مشخص و قطعی جای داد و از زبان برای بازنمایی این قالب‌های مشخص که از «تعریف» و «عناصر» از پیش تعیین‌شده‌ای تشکیل شده‌اند، استفاده کرد. نمونه بعدی، مطالعه‌ای است که «حذف فعل» را در چارچوب نظریه فوق بررسی می‌کند و از طریق مقایسه این فرایند با تحلیل‌های دستور سنتی به‌ویژه دستور زبان فارسی به تبیین دقیق‌تر آن پرداخته است (مادرشاهیان، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، صفری (۱۳۹۴) به موضوع معناشناسی قالبی و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی پرداخته و رفتار متفاوت این افعال را در بافت‌های گوناگون بررسی کرده است. همچنین، در مقاله «گامی به سوی تدوین واژه‌نامه تقابلی ظرفیت افعال فارسی-انگلیسی» متولیان نائینی (۱۳۹۵) درک بهتر یک پاره‌گفتار زبانی منسجم را بر مبنای نظریه فیلمور، با تداعی یک قالب خاص برای هر عبارت زبانی و در نظر گرفتن ارتباط معنایی میان عناصر تشکیل‌دهنده جمله تحلیل کرده است. حاجی قاسمی و شاملی (۱۳۹۵) هم در جستاری قرآنی به بررسی و تحلیل قالب‌های معنایی فعل «رأی» (دیدن) پرداخته‌اند. اجدادی و رضوی (۱۳۹۵) نیز ۱۴ قالب معنایی اندام واژه‌های بیرونی زبان فارسی

را ارزیابی کرده‌اند. «راه‌اندازی شبکه هم‌نت: شبکه‌ای برای تبیین با همایی واژگانی» نام پژوهش دیگری است که به‌تازگی از سوی موسوی (۱۳۹۶) انجام شده است. در نهایت، موسوی و همکاران (۱۳۹۴)، حسابی (۱۳۹۵)، دلارامی و همکاران (۱۳۹۶) و صفری و رحمتی‌نژاد (۱۳۹۶) به مطالعه واژه‌های «دیدن»، «خوردن»، «گرفتن» و «گردشگری و سفر» از منظر معناشناسی قالبی پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، از آنجا که موضوع مورد بحث ما، فعل «گفتن» در زبان فارسی است لازم است به تحقیق شاه‌حسینی (۱۳۹۰) نیز اشاره کنیم. در این مقاله شاه‌حسینی با بهره‌گیری از «نظریه پیش‌نمونی»<sup>۴</sup> به‌عنوان ابزاری تحلیلی به بررسی ساخت‌گذرای<sup>۴</sup> فعل «گفتن» در زبان فارسی پرداخته و افعال زیرشمول آن را بر حسب گذرایی و نزدیکی یا دوری‌شان به معنای سرنمون فعل، به گروه‌هایی تقسیم کرده است. در پایان، بررسی پیشینه ذکرشده، بیانگر اهمیت مطالعه معنی واژه در زبان‌های مختلف و در چارچوب رویکردهای نوین زبان‌شناسی همچون نگرش شناختی است. از این رو، مقاله حاضر در تلاش است با بررسی یکی از پرکاربردترین افعال فارسی در چارچوب نظریه معناشناسی قالبی فیلمور و سامانه فریم‌نت، ضمن کمک به ایجاد این شبکه در زبان فارسی، گامی کوچک در راستای ارتقای داده‌های آن بر دارد. همچنین، در این پژوهش سعی شده است برای اولین بار با تعیین برخی معیارها از سوی نگارندگان انگاره شعاعی فعل «گفتن» در زبان فارسی ترسیم شود.

### ۳. چارچوب نظری: نظریه معناشناسی قالبی

«زبان‌شناسی شناختی» نظریه‌ای واحد و منسجم نیست و از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن، رویکردهای گوناگونش به معناشناسی است. یکی از این رویکردها که از مفروضات بنیادین در «معناشناسی شناختی» به‌شمار می‌رود، برای معنا ماهیتی دایره‌المعارفی به‌جای قاموسی قائل است. این رویکرد شامل دو بخش است؛ بخش اول به ساختار معنایی که با واحدهای زبانی همراه است مربوط می‌شود. ساختار معنایی امکان دست‌یابی به فهرست بلند بالایی از دانش ساختاری را به ما می‌دهد که همان «نظام مفهومی»<sup>۳۶</sup> است؛ بخش دوم، بر این نکته تأکید دارد که دانش دایره‌المعارفی از تعامل انسان با دیگران، یعنی تجربه اجتماعی و جهان اطراف (تجربه فیزیکی) شکل می‌گیرد (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۶۴ - ۷۴). بر این اساس، «نظریه معناشناسی

قالبی» فیلمور (1982) به همراه «نظریه قلمروها» لانگاکر (1987) از دستاوردهای مهم «معناشناسی شناختی» هستند که بر دیدگاه دایره‌المعارفی تأثیر بسزایی داشته‌اند. تاریخچه نظریه معناشناسی قالبی که موضوع مورد بحث این مقاله است، به «دستور حالت» فیلمور (1968) بر می‌گردد که در آن صحبت از «نقش‌های معنایی»<sup>۳۷</sup> بود؛ اما در معناشناسی قالبی، «نقش‌های موقعیتی»<sup>۳۸</sup> مدنظر است. در حقیقت، فیلمور (1982: 383) معتقد است که رویکردهای مشخصه‌بنیاد که از مؤلفه‌های اولیه استفاده می‌کنند، نمی‌توانند به‌خوبی غنای معنایی واژه‌ها را نشان دهند. به‌علاوه، معنای کلمات شامل اطلاعات بسیار وسیعی در مورد جهان اطراف است که هرگز نمی‌توان آن را در قالب تعداد محدودی از مؤلفه‌های اولیه نشان داد. بر این اساس او مدعی است مدخل‌های واژگانی در ذهن انسان سبب برانگیختن «قالب‌های معنایی» می‌شوند که خود شامل دو بخش است؛ بخش اول، معنای تصریح‌شده از سوی مدخل واژگانی است و بخش دوم، معنایی است که در پس‌زمینه معنایی کلمه وجود دارد و به‌صورت پیش‌انگاره، جزء معنای واژه محسوب می‌شود. در این رویکرد «قالب معنایی» عنوانی کلی است که به‌جای اصطلاحاتی، چون «طرح یا الگو»<sup>۳۹</sup>، «طرح‌واره»<sup>۴۰</sup>، «سناریو»<sup>۴۱</sup>، «چارچوب اندیشه‌ای»<sup>۴۲</sup>، «الگوی شناختی»<sup>۴۳</sup> یا «نظریه عامیانه»<sup>۴۴</sup>، در نظریه قالبی به‌کار رفته است (Fillmore, 2006: 37). روپنهورف<sup>۴۵</sup> و همکاران (2016: 7) نیز قالب را یک «سازه مفهومی»<sup>۴۶</sup> شبیه به طرح‌واره می‌دانند که یک موقعیت شبیئی یا رویداد را به‌همراه مشارکانش توصیف می‌کند. در پایان، باید گفت پذیرش الگوی قالبی فیلمور در دیدگاه دایره‌المعارفی پیامدهایی را به‌دنبال دارد که به اختصار عبارت‌اند از (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۵ - ۷۷):

۱. واژه‌ها و مقوله‌ها به قالب‌ها وابسته‌اند: معنای واژه‌ها تنها با در نظر گرفتن قالب‌ها درک می‌شود.

۲. قالب‌ها زاویه دید خاصی ایجاد می‌کنند: قالب‌ها دیدگاه خاصی برای درک واژه فراهم می‌کنند.

۳. قالب‌بندی جایگزین برای موقعیتی واحد: انتخاب واژگانی، قالب‌بندی متفاوتی از یک موقعیت را ممکن می‌سازد.

از سوی دیگر، نکته مهم، جایگاه نظریه معناشناسی قالبی در تدوین فرهنگ‌ها و پایگاه‌های دادگانی است. در این راستا، می‌توان به سخنرانی فیلمور در ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن

فرهنگ‌نگاری اروپا (1994) با عنوان «فرهنگ‌نگاری و بررسی‌های مردم‌شناختی معنا» اشاره کرد. در این سخنرانی آمده است (به نقل از عاصی، ۱۳۷۵: ۳۸۳):

ارائه دقیق معانی و مفاهیم تنها با در نظر گرفتن بافت‌های اجتماعی، زبانی و دیگر محیط‌ها امکان‌پذیر است و این کار باید در چارچوب‌های زمینه‌ای، اطلاعاتی، درونی و بیرونی انجام یابد. به سخن دیگر، برای آنکه بتوانیم مفاهیم و اطلاعات فرهنگی و اجتماعی خاصی را از راه تعاریف واژه‌نامه‌ای به کاربران انتقال دهیم، باید بدانیم که این واژه‌نامه یا فرهنگ برای چه کسانی یا چه گروهی از مردم و با چه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و مانند این‌ها تدوین می‌گردد. هرگونه جهت‌گیری و یا بی‌توجهی به زمینه‌های فکری کاربران می‌تواند مشکلات بزرگی را به وجود آورد. نکته دیگر، لزوم فراهم آوردن چارچوب‌هایی برای پردازش رایانه‌ای داده‌ها، به‌ویژه توجه به حوزه پردازش زبان طبیعی بود.

نتیجه این نوع نگاه شناختی فیلمور، سبب تثبیت نظریه معنانشناسی قالبی در حوزه فرهنگ‌نگاری شد و طرح تحقیقاتی فرهنگ‌نگاری رایانه‌ای «فریمنت» در مؤسسه بین‌المللی علوم رایانشی دانشگاه برکلی کالیفرنیا با الهام از این نظریه راه‌اندازی شد. به عقیده گیرتس (2010: 229) تدارک این نوع پایگاه داده‌های واژگانی، تحول مهمی در شکل‌بندی معنانشناسی شناختی محسوب می‌شود؛ زیرا این نوع نگاه، مطالعه معنا را در پیوند با معنانشناسی واژگانی رایانه‌ای قرار می‌دهد. به این پروژه بعد از زبان انگلیسی در زبان‌های دیگر هم توجه شد و طیف گسترده‌ای از تحقیقات زبانی را به خود اختصاص داد. در تحقیق حاضر نیز برای ترسیم قالب معنایی فعل «گفتن» به فریمنت انگلیسی استناد شده است. از این رو، لازم است در ابتدا با ساختار یک «قالب معنایی» در سامانه فریمنت آشنا شویم.

### ۳-۱. ساختار یک قالب معنایی در فریمنت

در پایگاه فریمنت هر «قالب معنایی» شامل پنج بخش اطلاعاتی است که در ادامه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

### ۳-۱-۱. عنوان فریم یا قالب معنایی

قسمت اول یک قالب معنایی در پایگاه فریمنت مربوط به عنوان و نام آن قالب است.



۳-۱-۲. «تعریف»<sup>۴۷</sup>

این بخش از قالب معنایی به توصیف کلی معنای قالب و مثال‌های مرتبط با آن می‌پردازد. در واقع، در نظریه قالبی، معنای واژه در ارتباط با قالب پس‌زمینه خودش و بدون ارتباط با واژه‌های دیگر تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، معنای واژه به صورت طرح‌واره‌هایی متکی بر تجربه است که در جهان شکل می‌گیرد و این طرح‌واره‌ها، همان قالب‌ها هستند (Ruppenhofer et al., 2016).

۳-۱-۳. «عناصر اصلی و فرعی»<sup>۴۸</sup>

این عناصر نقش‌های معنایی هستند که یک قالب را به وجود می‌آورند. درحقیقت، عناصر یک قالب بر مبنای نقش‌های معنایی، کنش (کنشگر، پذیرنده و ابزار)، حرکت و مکان (کنش‌پذیر، مکان، مبدأ، مقصد و مسیر)، تجربه (تجربه‌گر، محرک و محتوا) و غیره بیان می‌شوند (Fillmore, 1967). این نقش‌ها که واحدی پایه در یک قالب به‌شمار می‌روند، به دو دسته «اصلی» و «فرعی» قابل تقسیم‌اند و برای درک بهتر به همراه یک مثال به‌کار می‌روند. «عناصر اصلی» جزئی را معرفی می‌کنند که به لحاظ مفهومی حضورش در قالب ضروری است. در واقع، این دسته از عناصر، قالبی را از قالب دیگر متمایز می‌کنند و دارای معنای اصلی و بنیادین در یک قالب هستند. افزون بر این، دسته‌ای از عناصر اصلی با عنوان «عناصر اصلی بیان‌نشده» وجود دارند که همان‌طور که از نامشان برمی‌آید عینی و صریح نیستند. از سوی دیگر، عناصر قالبی که رویدادی جز رویداد اصلی را بیان نمی‌کنند، «عناصر فرعی» نامیده می‌شوند و مفاهیمی، چون زمان، مکان، حالت، ابزار، میزان و غیره را بیان می‌کنند. این عناصر به‌تنهایی قالبی را ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه در هر قالبی که به لحاظ معنایی مناسب باشد، معرفی می‌شوند.

۳-۱-۴. «واحد‌های واژگانی»<sup>۴۹</sup>

این واژه‌ها تداعی‌کننده یک قالب خاص در ذهن هستند.

۳-۱-۵. «متون نشانه‌گذاری‌شده»<sup>۵۰</sup>

این قسمت از قالب معنایی مربوط به نشانه‌گذاری سازه‌های نحوی یک متن با عناصر قالب است (Ghayoomi, 2009: 14).

در ادامه، جدول ۱ پنج بخش ذکرشده را با توجه به مثالی از سامانه فریم‌نت نشان می‌دهد.

جدول ۱: قالب "COMMITMENT" نمونه‌ای از یک قالب معنایی در فریم‌نت انگلیسی  
**Table 1.** Semantic frame of "COMMITMENT" in FrameNet

قالب معنایی	
(۱) عنوان قالب	"COMMITMENT"
(۲) تعریف	<p>A <b>Speaker</b> makes a commitment to an <b>Addressee</b> to carry out some future action. This may be an action desirable (as with promise) or not desirable (as with threaten) to the <b>Addressee</b>. Some of the words in this frame allow an <b>Addressee</b> to be expressed.</p> <p>-<b>You PROMISED me you'd come to my graduation.</b></p> <p>-Other words cannot normally occur with an <b>Addressee</b>.</p> <p>-<b>Kim UNDERTOOK to finish the project by June.</b></p>
(۳) عناصر اصلی	<p><b>Addressee</b> [Add] The Speaker's commitment can be made to an Addressee. With those words which allow this frame element to be expressed, Addressee usually occurs as a PP Complement headed by to or the (Indirect) Object of verbs: Kim made a <b>PROMISE to me</b>. Kim <b>PROMISED me</b> that everything would be okay.</p> <p><b>Medium</b> [Medium] As with other frames in the Communication domain, the <b>MEDIUM</b> of communication may be expressed. Medium is the physical entity or channel used to transmit the Message. Bob <b>THREATENED</b> the workers <b>in Spanish</b>.</p> <p><b>Message</b> [Msg] An expression of the commitment made by the Speaker expresses the frame element Message. Message is expressed as a finite or non-finite clausal Complement or an NP Object: I <b>SWORE</b> that I would never make the same mistake again. The owner finally <b>CONSENTED to sell the business</b>. They <b>THREATENED</b> revenge.</p> <p><b>Speaker</b> [Spkr] The Speaker is the person who commits him/herself to do something. Speaker is usually the External Argument of predicative uses of the target or the Genitive modifier of a</p>

قالب معنایی	
	<p>noun: Jo made a PROMISE to me. Jo PROMISED me she would cook dinner. Jo's PROMISE to cook dinner came to nothing.</p> <p>Topic [Top] Topic expressions are not very frequent in this frame. They can occur with noun targets. Jo made endless PROMISES about working harder at school.</p>
و عناصر فرعی	<p><b>Manner</b> [ ] The Manner in which the commitment is made. Semantic Type: Manner "I'll help you any way I can", he promised softly</p>
	<p><b>Period_of_iterations</b> [ ] This FE is used to indicate length of time from when Commitment event began to be repeated to when it stopped.</p>
	<p><b>Place</b> [pla] The location in which the Speaker makes the commitment. Semantic Type: Locative_relation The july framework has reaffirmed what was PROMISED at Doha.</p>
	<p><b>Purpose</b> [pur] An action that the Speaker intends to accomplish by taking on the commitment. Semantic Type: State_of_affairs</p>
	<p><b>Time</b> [tim] The time period during which the Speaker makes the commitment. Semantic Type: Time The chancellor yesterday PROMISED to increase defence spending in real terms next year.</p>
(۴) واحدهای واژگانی	<p><i>commit.v, commitment.n, consent.v, covenant.n, covenant.v, oath.n, pledge.n, pledge.v, promise.n, promise.v, swear.v, threat.n, threaten.v, undertake.v, undertaking.n, volunteer.v, vow.n, vow.v</i></p>
(۵) متون نشانه‌گذاری شده	<p>[Speaker Democratic audiences] had to <b>consent</b> [Message to this approach]. [Speaker The politicians] made vague <b>promises</b> [Topic about independence]. [Message 'I'll be back , '[Speaker he] <b>threatened</b>.</p>

۳-۲. روابط میان قالبی<sup>۵۱</sup> در فریمنت

یکی از ویژگی‌های سامانه فریم نت، ارتباط قالب‌های معنایی آن با یکدیگر است. در یک رابطه میان قالبی، «قالب فرزند»<sup>۵۲</sup> «قالب والد»<sup>۵۳</sup> را مفصل‌تر توضیح می‌دهد. در اینجا قالب فرزند نوعی از قالب والد محسوب می‌شود. «وراثت»<sup>۵۴</sup>، «زیرقالب»<sup>۵۵</sup>، «سبب»<sup>۵۶</sup>، «بنیاد»<sup>۵۷</sup> و «کاربرد»<sup>۵۸</sup> نمونه‌هایی از روابط میان قالبی هستند. به عبارت دیگر، این بخش مربوط به ارائه اطلاعات سلسله مراتبی قالب‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. این روابط به‌شکلی است که قالب‌های انتزاعی‌تر و دارای استقلال کمتر، «قالب‌های فوقانی»<sup>۵۹</sup> و قالب‌هایی با انتزاع کمتر و وابستگی بیشتر، «زیرقالب» نامیده می‌شوند. جدول ۲ بیانگر هشت نوع رابطه در بین این قالب‌هاست (Ruppenhofer et al., 2016).

جدول ۲: انواع روابط میان «قالب‌های فوقانی» و «زیرقالب‌ها» در فریمنت انگلیسی

Table 2. Different relations between “super-frame” and “sub-frame” in FrameNet

روابط	زیرقالب	قالب فوقانی
وراثت	فرزند	والد
پیش‌نمونی	پیش‌نمونه شده	خنثا
زیرقالب	جزئی	پیچیده
قبل	بعد	زودتر
بنیاد	ابتدایی	حالت
سبب	سببی‌ساز	ابتدایی/حالت
کاربرد	فرزند	والد
همچنین نگاه کنید به	مدخل ارجاعی	مدخل اصلی

## ۴. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر، هم پیکره‌بنیاد و هم به‌صورت کتابخانه‌ای است. بر این اساس، نگارندگان برای شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی فعل «گفتن» و ترسیم قالب اصلی آن از پیکره‌هایی چون «پایگاه داده‌های زبان فارسی»<sup>۶۰</sup> (عاصی، ۱۳۸۴)، پایگاه «فارس‌نت»<sup>۶۱</sup> (Shamsfard et al., 2010) و «سایت مرجع دادگان» (Rasooli et al., 2011) و نیز فرهنگ فشرده سخن (انوری، ۱۳۸۸)، فرهنگ چهارجلدی آریان‌پور (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع واژگان

و مترادف و متضاد زبان فارسی (خداپرستی، ۱۳۷۶) و *واژه‌نامه علوم شناختی* (خرازی، ۱۳۹۶) بهره برده‌اند. همچنین، برای تعیین دقیق افعال زیرشمول این فعل افزون بر منابع مذکور، به مقاله شاه‌حسینی (۱۳۹۰) نیز استناد شده است. برای ایجاد قالب اصلی فعل «گفتن» در زبان فارسی نیز فریم‌های معادل آن در فریم‌نت انگلیسی جست‌وجو و بررسی شده‌اند. در آخر، امکان ترسیم این قالب از طریق تعیین معنای سرنمون فعل «گفتن» و منابعی که ذکر شد ارزیابی شده است.

## ۵. تحلیل و بحث

در این بخش پس از آشنایی با فعل «گفتن» و شناسایی حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن، به تعیین مفهوم سرنمون این فعل در زبان فارسی می‌پردازیم. سپس، با معرفی افعال زیرشمول این فعل، به ترسیم قالب اصلی آن در چارچوب نظریه شناختی فیلمور و سامانه فریم‌نت خواهیم پرداخت.

### ۵-۱. فعل «گفتن»، حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن در زبان فارسی

افعال به‌عنوان یکی از ارکان اصلی زبان، بیانگر حالات و اعمال یک رویداد هستند و نقش عمده‌ای در تفسیر معنا ایفا می‌کنند. این مقولات با معانی مختلف در بافت‌های زبانی ظهور می‌یابند. لذا، در بیان پدیده چندمعنایی کارایی فراوان دارند. فعل «گفتن»<sup>۳۳</sup> نیز به‌عنوان یکی از پرکاربردترین افعال فارسی از این قاعده مستثنا نیست. جدول ۳ نشان‌دهنده بسامد بالای این فعل در فارسی معاصر است.

جدول ۳. بسامد صورت‌های مختلف فعل «گفتن» در زبان فارسی  
(برگرفته از پایگاه داده‌های زبان فارسی)

**Table 3.** Frequency of the different forms of verb “Goftan” (to tell) in Persian (based on Persian Language Database)

ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد
۱	گفتن	۱۱۲	۱۱	می‌گفت	۵۳	۲۱	گویند	۲۶	۳۱	ردیف	۲
۲	گفتم	۶۱۵	۱۲	می‌گفتم	۳	۲۲	گویند	۴۱۸	۳۲	مگو	۶
۳	گفتی	۴۵	۱۳	می‌گفتید	۱	۲۳	بگوی	۳	۳۳	نگو	۷
۴	گفت	۸۰۳۳	۱۴	می‌گفتند	۲۶	۲۴	بگو	۷۹	۳۴	نگویم	۳
۵	گفتیم	۵۲	۱۵	گوی	۴۶	۲۵	بگویم	۲۰۱	۳۵	نگویی	۱

ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد	ردیف	فعل	بسامد
۶	گفتند	۲۹	۱۶	گو	۹۸	۲۶	بگویی	۱۸	۳۶	نگوید	۶
۷	گفتند	۲۷۷	۱۷	گویم	۱۰۳	۲۷	بگوید	۱۵۹	۳۷	نگویم	۹
۸	گفته	۱۴۱۹	۱۸	گویی	۲۱۲	۲۸	بگوئید	۹۳	۳۸	نگوید	۵
۹	می‌گفتم	۹	۱۹	گوید	۱۲۱۴	۲۹	بگوئید	۵۷	۳۹	نگوید	۵
۱۰	می‌گفتی	۱	۲۰	گوئیم	۳۵	۳۰	بگویند	۷۷	کل	۱۳۵۴۸	

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، بررسی صورت‌های گوناگون فعل «گفتن»، ما را با ۱۳۵۴۸ مورد کاربرد این فعل در بین متون «پایگاه داده‌های زبان فارسی» روبه‌رو می‌کند. از طرفی، مطالعه مدخل این فعل در فرهنگ‌ها و بیکره‌های فارسی و نیز تطابق آن با قالب‌های مرتبط در «فریم‌نت انگلیسی» حاکی از وجود ۴۴ معنای مختلف «گفتن» در زبان فارسی است (با توجه به منابع این پژوهش):

۱. بر زبان آوردن و بیان کردن: گفت: من موافق نیستم.
۲. اطلاع دادن: پزشکان تمام راه‌های پیشگیری از این بیماری را به مردم گفتند.
۳. نوشتن: او در کتابش این مطلب را به‌روشنی می‌گوید.
۴. فاش کردن: هرچه می‌دانی بگو.
۵. نامیدن: بهش می‌گویند «اصغر یک‌دست».
۶. سرودن: مدتی شعر می‌گفت.
۷. نظر دادن: برای من فرقی نمی‌کند، هرچه شما بگوئید، من هم موافقم.
۸. دستور دادن: گفتم بیایند کولر را درست کنند.
۹. اعلام کردن: دولت گفته است امسال بنزین را گران نمی‌کنیم.
۱۰. متداول بودن: می‌گویند صبحانه نمی‌گویند ظهرانه.
۱۱. مساعدت کردن: شانس گفته، این دفعه برنده می‌شوی.
۱۲. تصمیم گرفتن: گفتم یک ساعت بخوابم شاید خستگی‌ام رفع شود.
۱۳. هجی و تلفظ کردن: «Stephanopolise» نام خود را با «ph» می‌گوید.
۱۴. ارتباط غیرکلامی: با نگاهش همه‌چیز را گفت.
۱۵. گزارش دادن: او تلفنی تمام ماجرا را به پلیس گفت.

۱۶. درخواست کردن: به آن‌ها گفتم: لطفاً از خطای من بگذرید.
۱۷. حکایت کردن: بالأخره او داستان غم‌انگیز مادرش را گفت.
۱۸. پرسش کردن (گفت و گو): مادر گفت: داروهایت را خورده‌ای؟
۱۹. پذیرفتن یا نپذیرفتن: پاسخ درخواست تو را گفت یا نگفت؟
۲۰. فریاد کشیدن: شاکی با صدای بلند گفت: من رضایت نمی‌دهم.
۲۱. گمان کردن (گفت و گو): گفتم لابد حالا می‌آیی؛ ولی هیچ خبری از تو نشد.
۲۲. دعوت کردن (گفت و گو): در مهمانی امشب ما را هم گفته‌اند.
۲۳. پی بردن و فهمیدن (گفت و گو): از حلقه توی انگشتمش می‌گویم که حتماً ازدواج کرده است.
۲۴. ضرب شست نشان دادن و تهدید کردن (گفت و گو): اگر مردی بایست تا بهت بگویم.
۲۵. سرزنش کردن (گفت و گو): مرا بگو که آدمم از تو چاره‌جویی کنم.
۲۶. بدیهی بودن (گفت و گو): این حرف گفتن نداشت.
۲۷. تأکید منفی کردن (گفت و گو): تو بگو یکبار از خانه آن‌ها سروصدا بلند شده باشد، نشده است.
۲۸. قضاوت کردن (گفت و گو): انصاف بده، خودت بگو، آن کار درست بود؟
۲۹. غیرقابل توصیف بودن (گفت و گو): حالی داشتم که نگو!
۳۰. تعجب کردن (گفت و گو): تماشا کن! این را می‌گویند عکس.
۳۱. بیان ادعای مسلم گوینده (گفت و گو): نگفتم؟
۳۲. بیان بی‌خبری گوینده از امری (گفت و گو): وقتی وارد شدم دیدم همه آنجا جمع بودند، نگو غیر از من همه از موضوع اطلاع داشته‌اند.
۳۳. نسبت دادن صفت برتر برای خوبی و بدی (گفت و گو): دختر نگو، بلا بگو.
۳۴. آنچه فکر و تصور کنی (گفتگو): از این‌ها هرچه بگویی، بر می‌آید.
۳۵. بیش از اندازه تحسین کردن (گفت و گو): یک بابا جون می‌گفت صد تا از دهنش می‌ریخت.
۳۶. آواز خواندن: او با صدایی دل‌نشین بخش‌هایی از یک شعر محلی را می‌گفت.
۳۷. زمزمه و نجوا کردن: خدا به فریاد مردم برسد جز زنها که زیر لب چیزی می‌گفتند.

همه سرها به پایین انداخته و در این موضوع که چه خواهد شد.

۳۸. شهادت دادن: شاهدان در دادگاه حاضر شدند و اصل ماجرا را گفتند.

۳۹. جروبحث کردن (گفت‌وگو): شما با هم همکار هستید، این درست نیست که یکی شما

بگویی و دوتا او بگوید.

۴۰. فرق بودن میان این با آن (گفت‌وگو): آخر یک کوچکت‌تری گفته‌اند یک بزرگ‌تری!

۴۱. آغاز کلام (گفت‌وگو): می‌گم که می‌دونستی احمد می‌خواد مهاجرت کنه؟

۴۲. گویی، مثل اینکه (گفت‌وگو) (قدیمی): چنان حال بدی داشت که گویی الآن است جانم

در برود.

۴۳. کسی را گفتن (گفت‌وگو) (قدیمی): او را گفتم.

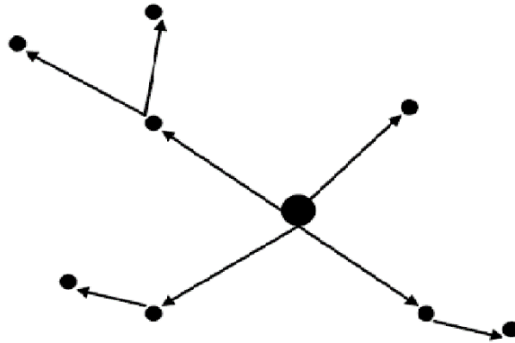
۴۴. یادآوری کردن و تذکر دادن: دیروز استاد آخرین مهلت تحویل پروژه‌ها را به

دانشجویان گفت.

معنایی‌ای که ذکر شد، در «گفت‌وگوی روزمره» و «رسمی» و در دو مقطع «معاصر» و «قدیمی» کاربرد دارند. همچنین، شاید بتوان گفت در برخی موارد (شماره ۱۹، ۳۳، و ۳۹) نوعی تکرار و ساخت فرمول‌واره‌ای وجود دارد و در بعضی دیگر (شماره ۱۸ و ۲۰)، معنای فعل بدون در نظر گرفتن واژه‌های دیگر جمله تشخیص‌دانی نیست؛ اما آنچه در این بین مهم است، چند معنا بودن فعل «گفتن» در زبان فارسی است. در حقیقت، واژگان چندمعنا چنانکه از نامشان بر می‌آید دارای بیش از یک معنا هستند و حول محور معنای اصلی آن‌ها، معنای ثانوی و فرعی دیگری قرار می‌گیرند که انتزاعی‌تر و کم‌بسامدترند و به اصطلاح در «مقوله شعاعی»<sup>۶۴</sup> جای دارند. در مرکز مقوله شعاعی هم معنای مرکزی یا پیش‌نمونه قرار دارد (Taylor & Littlemore, 2015 ترجمه فرشی، ۱۳۹۶: ۱۰۲-۱۰۳). به عبارت دیگر، «مقوله شعاعی» مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی یا سرنمونی سازمان‌بندی شده‌اند (Evan & Green, 2006: 331). در خصوص مفهوم سرنمونی نیز تیلور (Taylor, 1955: 65) به نقل از لانگاکر (Langacker, 1987: 371) می‌گوید: «سرنمون یا پیش‌نمونه»<sup>۶۵</sup> نمونه‌ای از یک مقوله است که سایر عناصر آن مقوله بر اساس شباهتشان به این نمونه اصلی در مقوله فوق قرار می‌گیرند. در «انگاره مقوله شعاعی» واژه‌ها هم، واژه‌های چندمعنا مجموعه‌ای از مقوله‌ها را تشکیل می‌دهند که به‌صورت شعاعی با یکدیگر رابطه دارند



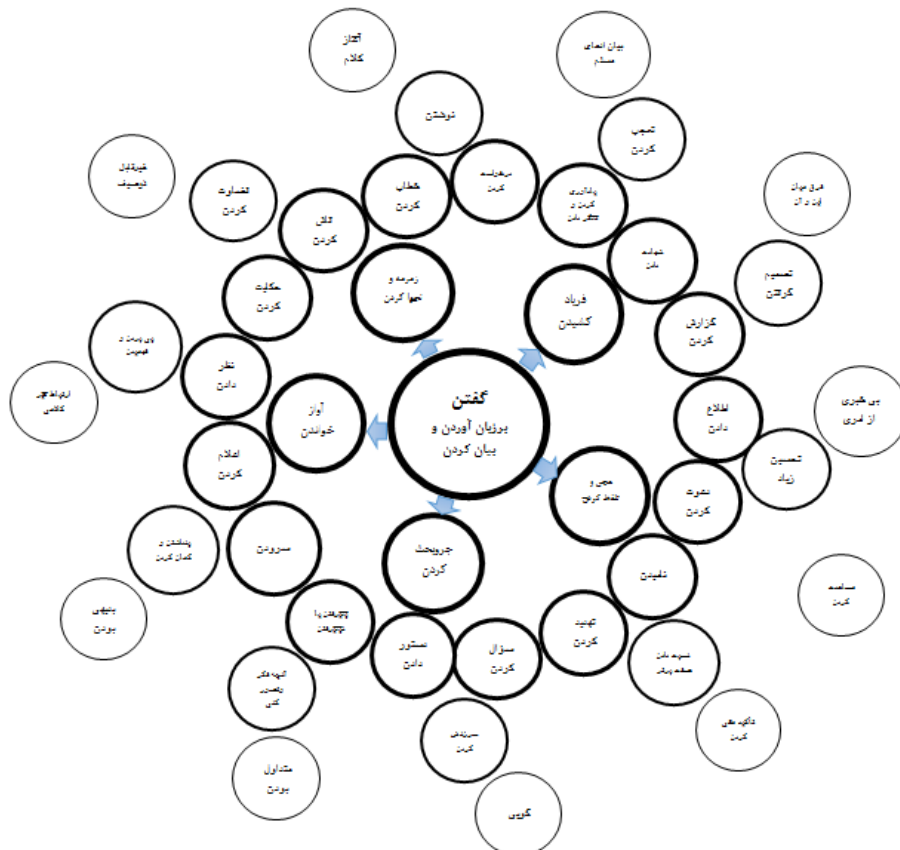
شکل ۱ بیانگر انگاره مذکور است. (Lakoff, 1987; Brugman & Lakoff, 1988).



شکل ۱: انگاره مقولات شعاعی (Evan & Green, 2006: 332)

**Figure 1.** A radiating lattice diagram (semantic network) (Evan & Green, 2006: 332) for modelling radial categories

از سوی دیگر، در مطالعات سنتی و تاریخی زبان فارسی معنای «اصلی» افعال در بردارنده یکی از مفاهیم «انجام دادن یا انجام گرفتن کاری»، «واقع شدن کاری بر کسی یا چیزی»، «پذیرفتن حالتی یا صفتی» و «نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی» است که به صورت مثبت یا منفی بیان می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۱۰). با این توضیحات و با توجه به منابع مورد بررسی<sup>۶۱</sup> شاید بتوان مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» (انجام دادن یا انجام گرفتن کاری) را معنای اصلی و سرنمون فعل «گفتن» در نظر گرفت و انگاره آن را به صورت شکل ۲ ترسیم کرد.



شکل ۲: سرنمونی فعل «گفتن» در مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» نسبت به معانی دیگر  
**Figure 2.** The concept of “bar zabân ʔāvardan va bayân kardan” (to express) as a prototype of the verb “Goftan” (to tell) toward other meanings

از آنجا که در این پژوهش تعیین جایگاه معنای سرنمون «گفتن» مدنظر است، در انگاره فوق ارتباط شعاعی معانی به‌طور دقیق ترسیم نشده است و نگارندگان تنها با تعیین چهار معیار زیر به ترسیم لایه‌ای این معانی پرداخته‌اند.  
 ۱. لایه اول: «بیان صوتی و بدون واسطه» (لایه عینی).

۲. لایه دوم: حد وسط «بیان باواسطه» و «بیان بدون واسطه».

۳. لایه سوم: «بیان باواسطه».

۴. لایه چهارم: کاملاً استعاری و مجازی.

علاوه بر این، از میان ۴۴ معنای مختلف فعل «گفتن»، افزون بر ۱ معنای سرنمون در مرکز، به ترتیب ۵ معنا در لایه اول، ۱۷ معنا در لایه دوم، ۱۰ معنا در لایه سوم و ۱۱ معنا در لایه چهارم قرار دارند. این معانی به نسبت دور شدن از معنای اصلی در لایه‌های مختلف قرار می‌گیرند و در نهایت، در دورترین لایه، یعنی لایه چهارم «مفاهیم استعاری و مجازی» نمایان می‌شوند. از طرفی، در بخش ۳ بیان شد که مدخل‌های واژگانی در ذهن انسان سبب برانگیختن «قالب‌های معنایی» می‌شوند. این قالب‌ها نمایانگر بخش‌هایی از یک رویداد هستند که برای اتصال گروهی از کلمات به مجموعه‌ای از معانی به کار می‌روند. با این تعریف و با توجه به معانی به دست آمده، شاید بتوان قالب‌های معنایی زیر را برای فعل «گفتن» در زبان فارسی در نظر گرفت.

جدول ۴: قالب‌های معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی (بر مبنای منابع این پژوهش)

Table 4. Different Semantic frames of the verb "Goftan" (to tell) in Persian (based on the present study)

ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی
۱	بر زبان آوردن و بیان کردن	۱۶	غیرقابل توصیف بودن	۳۱	فاش کردن
۲	اعلام کردن	۱۷	فرق بودن میان این و آن	۳۲	گمان کردن
۳	نامیدن	۱۸	تعجب کردن	۳۳	دعوت کردن
۴	نوشتن	۱۹	ادعای مسلم داشتن	۳۴	پی بردن و فهمیدن
۵	هجی و تلفظ کردن	۲۰	از امری بی‌خبر بودن	۳۵	پذیرفتن یا نپذیرفتن
۶	قضاوت کردن	۲۱	نسبت دادن صفت برتر	۳۶	درخواست کردن
۷	تصمیم گرفتن	۲۲	آنچه فکر و تصور کنی	۳۷	آواز خواندن
۸	تأکید منفی کردن	۲۳	جر و بحث کردن	۳۸	پرسش کردن و پرسیدن
۹	آغاز کلام	۲۴	گویی	۳۹	تهدید کردن
۱۰	ارتباط غیرکلامی	۲۵	زمنزه و نجوا کردن	۴۰	شهادت دادن
۱۱	بدیهی بودن	۲۶	نظر دادن	۴۱	اطلاع دادن
۱۲	سرزنش کردن	۲۷	خطاب کردن	۴۲	زیاد تحسین کردن

ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی	ردیف	قالب معنایی
۱۳	حکایت کردن	۲۸	متداول بودن	۴۳	یادآوری کردن و تذکر دادن
۱۴	گزارش دادن	۲۹	فریاد کشیدن	۴۴	دستور دادن
۱۵	مساعدت کردن	۳۰	سرودن	۴۴ قالب معنایی	

از میان ۴۴ قالب جدول ۴، قالب معنایی «بر زبان آوردن و بیان کردن» که حاوی معنای سرنمون است، به‌عنوان قالب اصلی انتخاب می‌شود. همچنین، برای ترسیم دقیق این قالب (به‌خصوص بخش واحدهای واژگانی) لازم است با افعال زیرشمول فعل «گفتن» بیشتر آشنا شویم؛ از این رو، علاوه بر فرهنگ‌ها و پیکره‌هایی، چون «فارسنت» به مقاله شاه‌حسینی (۱۳۹۰) با عنوان «تحلیل گذرایی افعال زیر شمول فعل گفتن بر اساس نظریه پیش‌نمونه» استناد می‌کنیم. آن‌گونه که در جدول شماره ۵ آمده است، طبقه‌بندی معنایی و افعال زیرشمول «گفتن» در پایگاه «فارسنت» به‌صورت زیر است.

جدول ۵: افعال زیرشمول فعل «گفتن» در پایگاه «فارسنت» (Shamsfard et al., 2010)

Table 5. The hyponym verbs of the verb “Goftan” (to tell) in “Farsnet” (The Persian (Shamsfard et al., 2010) Wordnet)

گفتن	اطلاع دادن به کسی تا چیزی را بداند	
افشا کردن، روی داریه ریختن، افشاگری کردن، روی دایره ریختن، پرده برداشتن، پرده برگره‌فتن، آشکارسازی کردن، برملا کردن، برملا ساختن، فاش نمودن، فاش ساختن، فاش کردن، مکشوف کردن، افشا نمودن	علنی کردن و به اطلاع دیگران رساندن راز و مانند آن	افعال گذرا
عرضه داشتن، تقدیم داشتن، تقدیم کردن، تقدیم فرمودن، گفتن، به-عرض [کسی] رساندن، به‌عرض [کسی] رسانیدن، معروض داشتن، عرض نمودن	به اطلاع دیگران رساندن	
ایراد کردن، اظهار فرمودن، تقریر کردن، اظهار نمودن، شرح کردن، بیان نمودن، ایراد فرمودن، باز گفتن، بیان فرمودن، اظهار کردن، عنوان کردن، بیان کردن، بیان داشتن، فرمودن، عنوان داشتن، گفتن، تقریر نمودن	بر زبان آوردن و با استفاده از کلمات پیامی را رساندن	
دردادن، افشاگری کردن، عرض کردن (دووجهی)	—	افعال ناگذرا

افزون بر افعال بیان شده در پایگاه فارس‌نت، در تحقیق شاه‌حسینی (۱۳۹۰) نیز افعال زیر شمول «گفتن» برحسب گذرایی و همچنین، نزدیکی یا دوری‌شان به معنای سرنمون به گروه‌هایی تقسیم شده‌اند که در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: افعال زیرشمول فعل «گفتن» در زبان فارسی (نقل از شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۶۴)

**Table 6.** The hyponym verbs of the verb “Goftan” (to tell) in Persian (Shah hosseini, 2012: 64)

افعال گذرا	پیش‌نمونه	
	الف	غیر پیش‌نمونه
	ب	
افعال ناگذرا		

اکنون با تعیین حوزه‌ها، قالب‌ها، معنای سرنمون و افعال زیرشمول «گفتن»، در ادامه بحث به ایجاد قالب اصلی این فعل در زبان فارسی خواهیم پرداخت.

#### ۵-۲. قالب اصلی فعل «گفتن» در زبان فارسی

در این قسمت با توجه به تعاریف بخش ۳ و منابع ذکرشده در بخش ۴ به ترسیم قالب اصلی فعل «گفتن» با مفهوم سرنمون «به‌زبان آوردن و بیان کردن» می‌پردازیم. جدول ۷ بیانگر بخش‌های مختلف قالب مذکور است. همچنین، برای درک بهتر یک قالب معنایی و اجزای آن، تمام بخش‌ها بر اساس محتوای جدول ۱ به صورت یکجا ارائه شده‌اند.

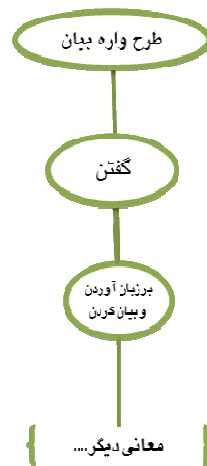
جدول ۷: بخش‌های مختلف قالب اصلی «گفتن» در مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن»

**Table 7.** The main parts of the verb “Goftan” (to tell) semantic frame in the (to express) concept of “bar zabân ?âvardan va bayân kardan”

بخش	ساختار قالب معنایی
(۱) عنوان قالب	قالب معنایی «گفتن» در زبان فارسی
(۲) تعریف	گوینده‌ای مخاطبی را مورد خطاب قرار می‌دهد تا پیامی را برساند- آوردن کلامی یا حرف و سخنی به وسیلهٔ اندام‌های گفتاری، دربارهٔ کسی یا امری حرف زدن، بیان کردن (سخن) - بر زبان آوردن، ذکر کردن (آریان پور) - بر زبان آوردن و با استفاده از کلمات پیامی را رساندن (فارسنت)- بیان کردن (خداپرستی). -او گفت: چرا سیگار می‌کشی؟ <u>گفتم</u> : به توچه! -ناهِید گفت: نمی‌دانم مهربی باز کجا سرش گرم شده است.
(۳) عناصر اصلی	پیام: سخن یا مطلبی که «کنشگر» (گوینده) آن را تولید می‌کند: -اولی به دومی گفت: می‌دانی این هفته اکثر ادارها تعطیل است؟ کنشگر: موجودیتی (فرد یا جمع) که «پیام» را تولید می‌کند. نهاد احساسی‌ای است که از زبان به شکل گفتاری استفاده می‌کند تا پیام را به کنش پذیر(مخاطب) منتقل کند: -شما بارها به او گفته بودید که کارش اشتباه است. کنش پذیر: موجودیتی که «پیام» را از «کنشگر» دریافت می‌کند: -احمد به مادر مینا گفت: اجازه می‌دهید خودم را معرفی کنم؟ موضوع: محتوای اصلی و کلی «پیام» است. -او علت جدایی نادر از همسرش را به ما گفت. واسطه: آنچه «پیام» از طریق آن منتقل می‌شود. -رهبر پیامشان را از طریق رادیو به مردم گفتند.
و عناصر فرعی	تکرار: بیانگر تعداد دفعاتی است که یک رویداد یا وضعیت برقرار است: -آن‌ها سه بار غیرمستقیم پاسخشان را گفته‌اند. توصیف‌کننده: ویژگی رویداد «گفتن» است: -مجرم به صراحت ماجرای قتل را گفت. چگونگی: بیان‌کنندهٔ چگونگی انتقال «پیام» از سوی «کنشگر» است: -مریم گریه‌کنان داستان را به دوستش گفت. شیوه یا روش: روشی که «کنشگر» برای انتقال «پیام» به «کنش پذیر» به‌کار می‌برد. -او همهٔ درخواست‌هایش را شفاهی به رئیس سازمان می‌گوید.

بخش	ساختار قالب معنایی
	<p>زمان: مقطع زمانی‌ای که در آن «کنشگر»، «کنش‌پذیر» را از وجود «پیام» آگاه می‌سازد. زمانی که پیام ساخته می‌شود:</p> <p>-هفته گذشته علی ماجرای بیماریش را به من گفت.</p> <p>مکان: محلی که در آن «کنشگر»، «کنش‌پذیر» را از وجود «پیام» مطلع می‌سازد. محلی را که انتقال پیام در آن رخ می‌دهد:</p> <p>-دانشجویان در کلاس موضوع پایان‌نامه‌شان را به استاد گفتند.</p> <p>موضوع معرفت‌شناختی: محدوده‌ای که در آن «پیام» صادق بوده و یا کاربرد دارد (وابسته به بافت موضوعی یا زبانی):</p> <p>-گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید (مناظره بین دو نفر)</p>
(۴) واحدهای واژگانی	<p>بیان کردن، بر زبان آوردن، حرف زدن، تکلم کردن، نطق کردن، اظهار کردن، ایراد کردن، حکایت کردن، ذکر کردن، اظهار فرمودن، تقریر کردن، اظهار کردن، بیان کردن، شرح کردن، ایراد فرمودن، بیان فرمودن، بازگفتن، بیان داشتن، فرمودن، عنوان کردن، عنوان داشتن، تقریر کردن، ارائه کردن، گپ زدن، اختلاط کردن، پرگویی کردن، عرض کردن، تکرار کردن، چت کردن، به‌عرض [کسی] رساندن، به‌عرض [کسی] رسانیدن، معروض داشتن، عرض کردن، عرضه داشتن، بازگو کردن، بر زبان راندن، اظهار داشتن، اقرار کردن، صحبت کردن، گفت‌وگو کردن، دردادن، معروض داشتن، نقل کردن، زرزیر کردن، بحث کردن، ورور کردن، ابراز کردن، ابراز داشتن، ابراز نمودن، سخن گفتن.</p>
(۵) متون نشان‌گذاری شده	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیدین آغداشلو [کنشگر - گروه اسمی] در تالار فردوسی جهاد دانشگاهی مشهد [مکان - گروه حرف‌اضافه‌ای - وابسته] گفت [فعل کنشی - مطابقت با فاعل].</li> <li>• خدا [کنشگر - گروه اسمی] به شیطان [کنش‌پذیر - گروه حرف‌اضافه‌ای - وابسته] گفت: [فعل کنشی - مطابقت با فاعل] انسان را سجده کن [پیام - وابسته - جمله نقل قول].</li> <li>• او [کنشگر - گروه اسمی] موضوع را [پیام - وابسته] به خبرنگار ما [کنش‌پذیر - گروه حرف‌اضافه‌ای - وابسته] گفت [فعل کنشی - مطابقت با فاعل].</li> <li>• سخنگوی سازمان مرکزی [کنشگر - گروه اسمی] [کنش‌پذیر محذوف] گفت [فعل کنشی - مطابقت با فاعل]: برخی نکات مبهم است [پیام - وابسته - جمله نقل قول].</li> <li>• معاون امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور [کنشگر - گروه اسمی] گفت: [فعل کنشی] ۷۵ درصد اعضای شوراها بومی هستند [پیام - وابسته].</li> </ul>

در جدول شماره ۷ پس از بیان «عنوان قالب معنایی»، بخش‌های «تعریف» و «عناصر اصلی و فرعی» به همراه مثال و با استناد به منابع این پژوهش، شمّ زبانی گویشور فارسی و از طریق بررسی قالب‌های معادل در فریم‌نت انگلیسی تکمیل شده‌اند. به علاوه، ۵۰ نمونه از افعال زیرشمول «گفتن» که دربردارنده مفهوم سرنمون این فعل هستند به عنوان «واحد‌های واژگانی» انتخاب شده‌اند. همچنین، به دلیل محدود بودن پژوهش تنها پنج جمله در بخش «متون نشانه‌گذاری شده»، نشانه‌گذاری نحوی و معنایی شده‌اند. در نهایت، از تطابق قالب فوق با قالب‌های معادل در فریم‌نت انگلیسی، تنها یک رابطه میان‌قالبی به نام «وراثت» شناسایی شده است. این رابطه قوی‌ترین رابطه میان قالب‌هاست و در آن هر آنچه به لحاظ معناشناسی در مورد قالب والد حقیقت داشته باشد، با حقیقتی (هرچند خاص‌تر) در مورد قالب فرزند نیز تطابق دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد می‌توان فعل «گفتن» را به عنوان فرزند «طرح‌واره بیان» در نظر گرفت و رابطه سلسله مراتبی زیر را برای آن ترسیم کرد.



شکل ۳: رابطه سلسله مراتبی قالب اصلی «گفتن» در مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» (از بالا به پایین)

**Figure 3.** The hierarchical relation of the main semantic frame of the verb “Goftan” (to express) (to tell) in the concept of “bar zabân ?âvardan va bayân kardan”



## ۶. نتیجه

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، پژوهش حاضر سعی دارد در چارچوب نظریه شناختی فیلمور (1982) و سامانه فریم‌نت به تحلیل معنایی فعل «گفتن» در زبان فارسی بپردازد و حوزه‌ها و قالب‌های معنایی آن را تعیین و در نهایت، قالب اصلی این فعل را ترسیم کند. در این راستا، با بهره‌گیری از برخی فرهنگ‌ها مانند فرهنگ فشرده سخن (انوری، ۱۳۸۸)، آریان‌پور (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع واژگان و مترادف و متضاد زبان فارسی (خداپرستی، ۱۳۷۶) و پیکره‌های معاصر فارسی از جمله «پایگاه داده‌های زبان فارسی»: (عاصی، ۱۳۸۴)، پایگاه «فارس‌نت» (Shamsfard et al., 2010) و «سایت مرجع دادگان» (Rasooli et al., 2011)، ۴۴ معنای مختلف فعل «گفتن» که در حیطه «گفت‌وگویی روزمره» و «رسمی» و در دو مقطع «معاصر» و «قدیمی» کاربرد داشتند، جمع‌آوری شد. سپس، آن‌گونه که در بخش ۵-۱ بیان شد، بررسی این معانی بیانگر آن بود که در برخی موارد نوعی تکرار و ساخت فرمول‌واره‌ای وجود دارد و در بعضی دیگر، تعیین معنای فعل تنها در بافت جمله امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، با توجه به منابعی که ذکر شد و بررسی مطالعات تاریخی (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۱۰) و نیز استفاده از شِمّ زبانی گویشور فارسی مفهوم «بر زبان آوردن و بیان کردن» به‌عنوان معنای اصلی و سرنمون این فعل در نظر گرفته شد. اما یکی از دستاوردهای مهم شناختی این مقاله که با پژوهش‌های دیگر متفاوت است، مربوط به ترسیم انگاره شعاعی فعل «گفتن» از طریق مقایسه معانی مختلف آن است. به این منظور، رابطه معنای سرنمون این فعل با دیگر معانی از طریق «انگاره مقولات شعاعی» و با استناد به چهار معیار «بیان صوتی و بدون واسطه» (لایه عینی)، حد وسط «بیان بدون واسطه» و «بیان باواسطه»، «بیان باواسطه» و «کاملاً استعاری و مجازی» (معیارهای تعیین‌شده از سوی نگارندگان) مشخص شد. لایه‌های به‌دست آمده در شکل ۲ شامل ۱ معنای سرنمون در مرکز، ۵ معنا در لایه اول، ۱۷ معنا در لایه دوم، ۱۰ معنا در لایه سوم و ۱۱ معنا در لایه چهارم بود. این معانی به نسبت دور شدن از معنای سرنمون، در لایه‌های مختلف قرار گرفتند و در دورترین لایه، یعنی لایه چهارم «مفاهیم استعاری و مجازی» نمایان شد. به‌علاوه، بررسی مفاهیم مختلف «گفتن» حاکی از وجود پدیده چندمعنایی در این فعل بود؛ از این رو، با توجه به راهکار شناختی فیلمور، یعنی نظریه قالبی و سامانه فریم‌نت ۴۴ قالب معنایی برای این فعل شناسایی شد. در پایان، قالب اصلی «گفتن» با معنای سرنمون «بر زبان

آوردن و بیان کردن» ایجاد و بخش‌های مختلف این قالب از سوی فرهنگ‌ها و پیکره‌های منتخب در این پژوهش تکمیل شد. افعال زیرشمول «گفتن» نیز با استناد به مقاله شاه‌حسینی (۱۳۹۰) و منابع دیگر مشخص شد. همچنین، یک رابطه میان قالبی به‌نام «وراثت» شناسایی و نمودار سلسله‌مراتبی آن ترسیم شد. در آخر، می‌توان گفت کار روی قالب‌های دیگر فعل «گفتن» و نیز افعال و واژه‌های مختلف زبان فارسی و ارتقای داده‌ها برای شکل‌گیری «فریم‌نت فارسی» از پژوهش‌های مفید پیش‌روست.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. encyclopedic meaning
2. Frame Semantics Theory
3. C. J. Fillmore
۴. در «نظریه قلمروها یا حوزه‌ها» (Domains theory) لانگاکر (1987) معنا دایره‌المعارفی است و مفاهیم مستقل از ساختارهای بزرگ‌تر دانش درک نمی‌شوند. لانگاکر این ساختارهای دانش را «قلمرو» می‌نامد. قلمروها ضرورتاً مفاهیمی شناختی‌اند: تجربیات ذهنی، فضاها یا بازنمایی و یا گره‌های مفهومی (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۵: ۷۷).
5. R. Langacker
6. dictionary meaning
7. Semantic Frame
8. Lexical Semantics
9. Case theory
10. <https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal/>
11. Natural Language Processing(NLP)
12. polysemy
13. <http://search.dadegan.ir>
14. Event structure
15. Inheritance structure
16. Qualia structure
17. F. R. Palmer
18. G. Lakoff & M. Johnson
19. G. Fauconnier
20. J.R. Taylor
21. Blank
22. <https://www.laits.utexas.edu/gframenet/people.html>
23. H. C. Boas
24. <http://sfn.uab.es:8080/SFN/>

25. Subirats & Petruck
26. <http://spraakbanken.gu.se/eng/swefn>
27. Borin et al.
28. <http://jfn.st.hc.keio.ac.jp/>
29. Ohara et al.
30. <http://sccfn.sxu.edu.cn/portal-en/home.aspx>
31. You et al.
32. <http://www.ufjf.br/framenetbr/>
33. <http://framenet.kaist.ac.kr/framenet>

۳۴. بر مبنای این نظریه، پیش‌نمونه عضو کانونی و بارز هر مقوله است و سایر اعضا براساس شباهتشان با این عضو تعریف می‌شوند.

۳۵. «گذرایی» یکی از پدیده‌های پیچیده در زبان‌هاست که باید در قالب مؤلفه‌های نحوی و معنایی بررسی شود. از لحاظ معنایی هر پدیده‌ی گذرا باید شامل یک «عامل یا کنشگر» صاحب‌اختیار باشد. گیون (2001) از لحاظ نحوی ساخت‌های گذرا را تعریف می‌کند و بر این باور است که هر بند یا جمله‌ای که در آن مفعول مستقیم حضور یابد، الزاماً ساختی گذراست و در غیر این صورت سایر ساخت‌ها ناگذرا به‌شمار می‌آیند (نقل از شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۶۰).

36. Conceptual system
37. Semantic Roles
38. Situational Roles
39. Schema
40. Script
41. Scenario
42. Ideational Scaffolding
43. Cognitive model
44. folk theory
45. Ruppenhofer et al.
46. Conceptual structure
47. Definition
48. Core & Non-Core Elements
49. Lexical Unites
50. Annotated Texts
51. Frame- to-frame Relations
52. child frame
53. parent frame
54. Inheritance
55. Subframe
56. Causative of
57. Inchoative of
58. Using

59. Super frame

60. <http://pldb.ihcs.ac.ir/>61. <http://farsnet.nlp.sbu.ac.ir/Site3/Modules/Public/Default.jsp>

۶۲. از دیدگاه انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۵: ۱۶ - ۲۱) ساختمان افعال در زبان فارسی به دسته‌هایی، چون ساده، پیشوندی، مرکب، پیشوندی مرکب، عبارتهای فعلی و فعل‌های ناگذر یک‌شخصه قابل تقسیم است. «افعال ساده» نیز افعالی هستند که بن مضارع آنها یک تکواژ است؛ به بیان دیگر، مصدر آن بیش از یک کلمه نیست؛ یعنی تنها از بن ماضی و (-ن) که نشانه مصدر است ساخته شده‌اند. همچنین، آنها ساخت افعال ساده فارسی را در قالب هشت گروه معرفی کرده‌اند. در این میان، فعل «گفتن» از جمله افعال ساده و استثناهای گروه هشتم (افعالی هستند که مصدر آنها به (-فتن) ختم می‌شود) است که در کنار افعالی، چون «رفتن، سفتن، گرفتن و نهفتن» قرار می‌گیرد.

63. prototype

64. radial category

## ۸. منابع

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر و سید مصطفی عاصی (۱۳۹۱). *فرهنگ جامع پیشرو آریان پور - فارسی به انگلیسی (چهارجلدی)*. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۲). «نگاهی به تفکر و زبان». *تازه‌های علوم شناختی*. س ۵. ش ۱. صص ۵۷ - ۶۴.
- اجدادی، مژگان و محمدرضا رضوی (۱۳۹۵). «بررسی قالب‌های معنایی اندام واژه‌های بیرونی زبان فارسی». *زبان پژوهی*. در دست چاپ.
- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی (۱) و (۲)*. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- انوری، حسن (۱۳۸۸). *فرهنگ فشرده سخن*. جلد ۲. تهران: سخن.
- تیلور، جان. آر و جانت لیتل مور (۱۳۹۶). *راهنمای زبان‌شناسی شناختی*. ترجمه و جیهه فرشی و نجمه فرشی (ویراستار علمی: آزیتا افراشی). تهران: نویسه فارسی.

- حسابی، اکبر (۱۳۹۵). «قالب‌های معنایی «خوردن» از منظر معناشناسی قالبی». *زبان و زبان‌شناسی*. س ۱۱. ش ۲۲. صص ۱-۲۶.
- خاوری، نجمه (۱۳۹۲). *توصیف و طبقه‌بندی افعال فارسی بر اساس رویکرد پروژه فریمنت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- خداپرستی، فرح‌الله (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*. شیراز: دانش‌نامه فارس.
- خرازی، سید کمال (۱۳۹۶). *واژه‌نامه علوم شناختی (انگلیسی - فارسی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم)*. چ ۵. تهران: سمت.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۹۲). «معناشناسی و گنج‌واژه زبان فارسی (۲)». *مجله فرهنگ‌نویسی*. ش ۵ و ۶. صص ۴۴-۶۵.
- روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*. چ ۲. تهران: رامین.
- دلارامی‌فر، منصوره و همکاران (۱۳۹۶). «روابط معنایی فعل «گرفتن» در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب بنیاد فیلمور». *پژوهش‌های زبانی*. س ۸. ش ۱. صص ۷۹-۹۸.
- شاه‌حسینی، فائقه (۱۳۹۰). «تحلیل گذرایی افعال «زیرشمول فعل گفتن» بر اساس نظریه پیش‌نمونه». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۱. ش ۲. صص ۵۷-۶۶.
- صفری، علی (۱۳۹۴). «معناشناسی زمینه و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. س ۶. ش ۱ (۲۲). صص ۱۰۳-۱۷۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- عاصی، سید مصطفی (۱۳۷۵). «گزارشی از ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن فرهنگ‌نگاری اروپا». *فرهنگ ویژه زبان‌شناسی*. ش ۱۷. صص ۳۹۱-۴۰۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «پایگاه داده‌های زبان فارسی در اینترنت». *خبرنامه پژوهشگران*. ش ۲.
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل پدیده چندمعنایی در زبان فارسی از منظر معناشناسی شناختی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

- گندم‌کار، راحله (۱۳۹۳). «تحلیل معنایی واژگان زبان فارسی بر مبنای رویکرد معنی‌شناسی قالب بنیاد». *علم زبان*. س ۲. ش ۲. صص ۱۱۷ - ۱۴۲.
- مادر شاهیان، سارا (۱۳۹۴). «حذف فعل از منظر معنی‌شناسی شناختی». *زبان‌پژوهی*. س ۷. ش ۱۶. صص ۱۰۱ - ۱۳۲.
- متولیان نائینی، رضوان (۱۳۹۵). «گامی به‌سوی تدوین واژه‌نامه تقابلی ظرفیت افعال فارسی، انگلیسی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. س ۶. ش ۲. صص ۴۷۵ - ۴۴۹.
- موسوی، سید حمزه و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی واژه «دیدن» بر اساس معناشناسی قالبی». *جستارهای زبانی*. س ۶. ش ۷. صص ۲۱۹ - ۲۳۶.
- موسوی، سید حمزه (۱۳۹۶). «راه‌اندازی شبکه هم‌نت: شبکه‌ای برای تبیین باهمایی واژگانی». *جستارهای زبانی*. س ۸. ش ۲(۳۷). صص ۱۹۷ - ۲۲۳.
- نایب لوئی، فاطمه (۱۳۹۳). *بررسی واژه‌های عواطف در حوزه‌های شادی و علاقه در چارچوب نظری قالب‌های معنایی: شبکه قالب بنیاد (فریم‌نت) در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نایب لوئی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۴). «شبکه معنایی قالب بنیاد (فریم‌نت) در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۵. ش ۹. صص ۲۶۱ - ۲۸۲.

#### References:

- Afrashi, A. (2016). *An Introduction of Cognitive Semantics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Agha Golzadeh, F. (2003). "Thinking and language: an overview". *Journal of Advances in Cognitive Science*. Vol.5. No.1. Pp. 57-64. [In Persian]
- Ajdadi, M. & M.R. Razavi, (2018), "The study of semantic frames of external body part terms in Persian language". *Journal of Language Research (ZABANPAZHUI)*. Vol.10. No.29. Pp. 27-44. [In Persian]
- Anvari, H. & H. Ahmadi Givi, (2006), *Grammar of the Persian (1) & (2)*. Tehran: Fatemi Publications. [In Persian]

- Anvari, H. (2009). *Sokhan Comprehensive Dictionary*. Vol.1. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian].
- Aryanpur Kashani, M. & S. M. Assi, (2010), *The Aryanpur Progressive Persian-English Dictionary, Four Volumes Comprehensive*. Tehran: Computer World Co. [In Persian]
- Assi, S.M. (1996). "A Report of 6<sup>th</sup> International Conference on European Lexicography Association". *Culture Journal ( linguistics)*. No.17. Pp. 391-400. [In Persian]
- Assi, S.M. (1997). "Farsi Linguistic Database (FLDB)". *The International Journal of Lexicography*. Vol.10. No.3. Pp.6. Oxford University Press.
- Assi, S.M. (2005). "Persian Linguistic Database (PLDB) in Internet". *Researches*. No.2. [In Persian]
- Blank, A. (2003). "Polysemy in Lexicon and in Discourse". In B. Nerlich. (Eds.). *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*. Berlin & New York. Mouton de gruyter. Pp.267-296.
- Boas, H.C. (2002d). *Bilingual FrameNet Dictionaries For Machine Translation*. Department of Germanic Studies. University of Texas at Austin.
- Borin, L., & et al. (2010). "The past meets the present in the Swedish FrameNet++".
- Delaramifar, M. & et al. (2017). "Semantics relations of Persian Verb "gereftan": Filmore's frame semantics (1997)". *Journal of Language Researches*. Vol.8. No.1. Pp.79-98. [In Persian]
- Givón, T. (2001). *Syntax*.(Vol.1,2). John Benjamins. Amesterdam.
- Evans, V. & M. Green, (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh University press.
- Fayyazi, M.S. (2009). *Looking into the Notion of Polysemy in Persian: A Cognitive Approach*. PhD. thesis. Tarbiat Modares University (TMU).Tehran. [In Persian]

- Fauconnier, G. (1985). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. Cambridge. Cambridge University press.
- Fillmore, C. J. (1968). "The Case for Case". In E. Bach, & R. T. Harms (Eds.). *Universals in linguistic theory*. Pp. 1-88. New York. Holt Rinehart & Winston.
- \_\_\_\_\_ (1976). "Frame Semantics and the Nature of Language". In *Annals of the New York Academy of Sciences: Conference on the Origin and Development of Language and Speech*. Vol. 280. Pp. 20-32.
- \_\_\_\_\_ (1982b). "Frame semantics". In *the linguistic society of Korea*. (Eds). Linguistics in the Morning Calm. Seoul. Hanshin. Pp.37-111.
- Fillmore, C.J. & B.T.S. Atkins, (1992). "Toward a Frame-Based Lexicon: The Semantics of RISK and its Neighbors". In Lehrer, A., & E. Kittay. (Eds.). *Frames, fields and contrasts: New Essays in Semantic and Lexical Organization*. Hillsdale. Erlbaum.
- Fillmore, C.J. & B.T.S. Atkins, (1994), "Starting where the Dictionaries Stop: The challenge for computational lexicography". In Atkins, B.T.S., & A. Zampolli. (Eds.). *Computational approaches to the lexicon*. Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ (2000). *Describing polysemy: The case of 'crawl'*. Ravin, Y., and C. Lacock. (Eds.). Polysemy. Oxford University Press.
- Fillmore, C. J. & C. Baker, (2010), "A Frames Approach to Semantic Analysis". In B. Heine & H. Narrog. (Eds.). *The Oxford Handbook of Linguistic Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Gandomkar, R. (2015). "Semantic analysis of Persian words based on format-based semantics". *Language Science*. Vol.2. No.2. Pp. 117-142. [In Persian]
- Greeraerts, D. (2010). *Theories of Lexical Semantics*. Oxford University Press.
- Ghayoomi, M. (2009). *Frame Assignment with Active Learning*. M.S. Thesis. Department of Computational Linguistics and Phonetics. Saarland University.



- Haji Ghasemi, F. (2017). "The semantic frames of the verb "Ra'ā" (beholding) on the Holy Koran and the Persian Formats (Based on Charles Fillmore's the Semantic Meaning Theory) ". *Translation Studies of Quran and Hadith*. Vol.3. No.6. Pp. 57-83. [In Persian]
- Kharrazi, S. K. (1997). *A Dictionary of Cognitive Science, English- Persian*. Tehran: Farhang Moaser Publications. [In Persian].
- Khavari, N. (2013). *The Description and Classification of Persian Verbs on the Basis of FrameNet's Approach*. M.A. thesis. Department of General Linguistics. BU-Ali Sina University. Hamedan. [In Persian]
- Khodaparasti, F. (1997). *A Comprehensive Dictionary Persian synonyms & antonyms*. Shiraz: Fars Publications. [In Persian]
- Lakeoff, G. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago. Chicag University Press.
- Langacker, R.(1987). *Foundations of Cognitive Grammar. (vol.1)*.Stanford, CA. Stanford University Press.
- Lieber, R. (2004). *Morphology and Lexical Semantics*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Madarshahiyan, S. (2015). "Role of topic shift and violence of Grice principles in interrogation": Forensic Linguistics. *Journal of Language Research (ZABANPAZHUHI)*. Vol.7. No.16. Pp. 101-132. [In Persian].
- Motavallian Naeini, R. (2017). "Toward developing Persian- english verb valency dictionary". *Foreign Language Research Journal*. Vol.6. No.2. Pp. 449-475. [In Persian].
- Mousavi, S.H.; M. Amoozadeh & V. Rezaei, (2016). "Analysis of the word 'Didan' based on frame semantics". *Language Related Research*. Vol.6. No.7. Pp. 219-236. [In Persian].
- Mousavi, S.H. (2017). "ColloNet: a network for analyzing collocations". *Language Related Research*. Vol.8. No.2. Pp. 197-223. [In Persian].

- Nayebului, F. (2014). *Emotion Words (Happiness & Love) in Farsi: Persian FrameNet (FrameNet. ir)*. MA. Thesis. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Nayebului, F., Assi, S.M., & Afrashi, A. (2015). "FrameNet in Persian". *Journal of Comparative Linguistic Researches*. Vol.5. No.9. Pp. 261-282. [In Persian]
- Ohara, K., & et al. (2004). "The Japanese FrameNet project: An introduction". *Proceedings of the Workshop on Building Lexical Resources from Semantically Annotated Corpora*. Eds. Charles J. Fillmore, et al. Lisbon: LREC 2004. Pp. 9-12.
- Palmer, F.R. (1976). *Semantics, A New Outline*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Pustejovsky, J. (1995). *The Generative Lexicon*. Cambridge. MIT.
- Rasekhmahand, M. (2015). *An Introduction to Cognitive Linguistics (Theories and Concepts)*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Rasooli, M.S., et al. (2011). "A Syntactic Valency Lexicon for Persian Verbs: The first steps towards Persian Dependency Treebank". *5<sup>th</sup> Language & Technology Conference (LTC): Human Language Technologies as a Challenge for Computer Science and Linguistics*. Pp. 227-231. Poznan. Poland.
- Razavi, M. (2013). "Semantics and thesaurus in Persian language (2)". *Lexicography Journal*. No.5, 6. Pp. 44-65. [In Persian]
- Roshan, B. & L. Ardebili, (2016), *An Introduction to Cognitive Semantics*. Tehran: Ramin. [In Persian]
- Ruppenhofer, J. & et al. (2016). *FrameNet II: extended theory and practice*.
- Safari, A. (2015). "Frame semantics and LVC alternation in Persian". *Language Related Research*. Vol.6. No.1. Pp. 153-172. [In Persian]
- Safari, A. & L. Rahmati Nejad, (2018), "Frame semantics: applying frameNet principles to (Touring) and (Travel) semantic frames in Persian". *Biannual Journal of Applications of Language Studies*. No .1(1). Pp. 59-76.

- Safavi, K. (2008). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- Shah hosseini, F. (2012). "Prototypical transitivity in speech verbs". *Journal of Comparative Linguistic Researches*. Vol.1. No.2. Pp. 57-66. [In Persian]
- Shamsfard, M., et al. (2010). "Semi Automatic Development Of FarsNet: The Persian Wordnet". Computer Engineering. Dept. Shahid Beheshti University. Tehran. Iran.
- Subirats-Rüggeberg, C., & M. R. L. Petruck, (2003), "Surprise: Spanish FrameNet!". *Proceedings of the Workshop on {Frame} {Semantics}" XVII International Congress of Linguists {(CIL)}*. Eds. {Eva Hajičová, Anna Kotéšovcová, and Jiří Mirovský. Prague: Matfyzpress.
- Taylor, J.R. (1995). *Linguistics Categorization: Prototypes in Linguistic Theory*. 2<sup>nd</sup> (Eds.). Oxford. Clarendon Press.
- Taylor, J.R. (2003). "Cognitive Models of Polysemy". In B. Nerlich & Z. Todd. (Eds.). *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*. Berlin & New York. Mouton de gruyter. Pp. 31-49.
- Taylor, J.R. & J. Littlemore, (2017), *The Bloomsbury Companion to Cognitive Linguistics*. Traslated by Vajihe Farshi & Najmeh Farshi. Edited by Azita Afrashi. Tehran. Neveeseh Parsi publications. [In Persian]
- You, L., L. Tao & L. Kaiying, (2007), "Chinese FrameNet and OWL Representation". *6<sup>th</sup> International Conference on Advanced Language Processing and Web Information Technology (ALPIT 2007)*. Pp. 140-145.